

تفاوت شیوه ارجاع در پانویست و فهرست منابع

الوند بهاری*

برای تنظیم ارجاعات. با آن که این روزها، به خصوص در مجله‌های «علمی-پژوهشی»، شیوه ارجاع مختصر درون‌متنی و موکول کردن مشخصات کامل کتاب‌ها و مقالات به فهرست مآخذ مرسوم است، گاهی پیش می‌آید که در ضمن توضیحی در پانویست (یا پی‌نوشت)‌ها، معمولاً در معرفی منابعی برای مطالعه بیشتر، لازم است نویسنده به معرفی کتاب یا مقاله‌ای بپردازد که در شمار منابع نوشته‌اش هم نیست و نمی‌تواند مشخصات آن را در فهرست مآخذ بیاورد. این است که تمام مشخصات آن کتاب یا مقاله را ناگزیر است در پانویست بیاورد؛ اما به کدام یک از آن دو شیوه؟

برای فهرست مآخذ، که در پایان مقاله می‌آید، بی‌تردید شیوه دوم مناسب است، اما برای پانویست (یا پی‌نوشت) اولی منطقی‌تر است. نویسندگان برخی شیوه‌نامه‌ها تفاوت روش تنظیم مشخصات در این دو قسمت را به‌درستی یادآوری کرده‌اند، ولی — از آن‌جا که کار شیوه‌نامه به دست دادن «دستورالعمل» است و نه آموزش — نوشته‌اند که چرا باید به دو شیوه عمل کرد. در زبان فارسی، و بسیاری زبان‌های دیگر، «نام» (اسم کوچک) افراد را مقدم بر نام خانوادگی می‌گویند و می‌نویسند. روی جلد کتاب‌ها هم نام نویسنده و مترجم به همین ترتیب می‌آید. اما چرا در فهرست مآخذ برعکس این شیوه عمل می‌کنند و نام خانوادگی را پیش از نام می‌آورند؟ علت این کار جز «طبقه‌بندی» نیست. در فهرست مآخذ هر کتاب یا مقاله بعید است که با کمتر از پنج — شش مآخذ، و خیلی وقت‌ها چند ده یا حتی چند صد مآخذ، سروکار داشته باشیم. خواننده کتاب یا مقاله هم، وقتی با ارجاع مختصر درون‌متنی (مثلاً: شفیعی کدکنی: ۲۵) مواجه شود، به سراغ فهرست پایان‌نویسته می‌رود تا ببیند نویسنده به کدام کتاب یا مقاله استاد شفیعی کدکنی اشاره کرده است؛ یعنی می‌باید اسم «شفیعی کدکنی» را، در میان چند ده یا چند صد نام دیگر، پیدا کند. اگر آن همه

فرض کنید که دارید مقاله‌ای می‌نویسید و ضمن آن، به مناسبتی، این بیت منسوب به رودکی را هم نقل می‌کنید:

جان گرامی به پدر باز داد

کالبد تیره به مادر سپرد

در کتاب سخن و سخنوران هم خواننده‌اید که استاد فروزانفر در انتساب این بیت معروف (در رثای «مرادی») به رودکی تردید کرده است. از طرفی، ممکن است این بیت و نام سراینده‌اش ربط زیادی به موضوع نوشته شما نداشته باشد و بحث در این باب حوصله خوانندگان نوشته شما را سر ببرد و آنان را از منظور اصلی شما دور کند، و از طرفی دیگر، بد هم نیست که به این نکته اشاره کنید. در چنین مواردی نویسنده ناگزیر است مطلب را در پانویست، به اختصار، بنویسد و خواننده علاقه‌مند را به مآخذ اصلی (مثلاً صفحه ۲۱ از کتاب سخن و سخنوران استاد فروزانفر) راهنمایی کند. از آن‌جا که شیوه ارجاع براساس عنوان کتاب‌ها امروزه بسیار کم کاربرد است و مآخذ نوشته را معمولاً براساس نام پدیدآورندگان فهرست می‌کنند، در اولین گام، با این مسأله مواجه می‌شویم که مشخصات کتاب (یا مقاله) را در پانویست، و نه در فهرست منابع، به کدام یک از این دو شیوه باید نوشت:

۱. بدیع‌الزمان فروزانفر، سخن و سخنوران، ...

۲. فروزانفر، بدیع‌الزمان، سخن و سخنوران، ...

برخی نکته‌ها را اغلب نویسندگان و پژوهندگان چنان ساده می‌انگارند — یا آن قدر به کاربرد کلیشه‌ای آن‌ها عادت می‌کنند — که هرگز فکر نمی‌کنند «چرا» این گونه باید نوشت. این سال‌ها که مقاله‌های زیادی را (چه پیش و چه پس از انتشار) می‌خوانم، دیده‌ام که اغلب نویسندگان در پانویست (یا پی‌نوشت) مقاله نیز مشخصات منابع را به همان شیوه می‌نویسند که در فهرست مآخذ پایان مقاله، موضوع این یادداشت هم تنها همین تفاوت در شیوه تنظیم مشخصات منابع است، نه بررسی شیوه‌های گوناگون داخلی و بین‌المللی

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی / Alvand.bahari@yahoo.com



دوره دوم، سال ششم، شماره پنجم و ششم، آذر - اسفندماه ۱۳۹۱

اسم را، بی نظم و ترتیبی، از پی هم بیاوریم، کار بر خواننده بسیار دشوار می‌شود. پس لازم است نام‌ها را، برای سهولت مراجعه، طبقه‌بندی کرد و باید ملاکی برای طبقه‌بندی برگزید. این جاست که تصمیم می‌گیریم نام‌ها را با نظم الفبایی مرتب کنیم. از معدودی موارد استثنائی که بگذریم، عموماً نام‌های کوچک بسامد بسیار بیشتری دارند تا نام‌های خانوادگی؛ یعنی احتمال این که در میان پدیدآورندگان کتاب‌ها و مقالاتی که به آن‌ها ارجاع می‌دهید نام چند نفر «محمد رضا» باشد، بسیار بیشتر از آن است که دو یا چند «شفیعی کدکنی» داشته باشید. بنابراین، اگر فهرستتان را براساس نام کوچک مرتب کنید، خواننده برای یافتن «محمد رضا شفیعی کدکنی» می‌باید به ردیف «م»‌ها برود و به «مح» برسد و در میان «محمد»‌ها و «محمدحسن»‌ها و «محمدحسین»‌ها و «محمدجواد»‌ها و ... سرانجام «محمد رضا»‌ها نام مورد نظرش را بیابد. اما اگر فهرست را براساس نام خانوادگی پدیدآورندگان مرتب کنید، خواننده «شفیعی کدکنی» را احتمالاً به سرعت در ردیف «ش» خواهد یافت. پس هدف از مقدم کردن نام خانوادگی بر نام کوچک فقط طبقه‌بندی و بخشیدن نظم الفبایی است. با این توضیح معلوم می‌شود که چرا در پانوش (و پی‌نوشت) لازم نیست شیوه معمول را عوض کرد. در شیوه‌نامه شیکاگو¹ - که از قدیم‌ترین و معتبرترین شیوه‌نامه‌های جهان است و نخستین چاپ آن در سال ۱۹۰۶ م. و ویرایش شانزدهم در سال ۲۰۱۰ م. منتشر شده است - توضیح مختصری در باب همین تفاوت می‌خوانیم که در یادداشت‌ها (اعم از پانوش و پی‌نوشت) نام‌ها با ترتیب معمول (ابتدا نام کوچک) می‌آید و در فهرست مآخذ، که قرار است مدخل‌ها برطبق آن الفبایی شوند، این ترتیب وارونه (و نام خانوادگی مقدم بر نام کوچک) می‌شود. در پانوش و پی‌نوشت، معمولاً، بیش از یک منبع به خواننده معرفی نمی‌کنیم. یک اسم، یا حتی دو - سه اسم، را لازم نیست طبقه‌بندی کرد. پس نیازی به الفبایی کردن نام‌ها هم نیست. حتی اگر ده‌ها منبع را هم بخواهیم در یک یادداشت معرفی کنیم، باز نیازی به رعایت نظم الفبایی نیست؛ زیرا اینجا، برخلاف فهرست مآخذ، خواننده از پیش به دنبال نامی خاص نمی‌گردد و نویسنده است که نام‌ها را، به هر ترتیبی که بخواهد، در اختیار خواننده می‌گذارد و هر یک (یا چند) منبع با

یکی از اعداد تک پیوند خود را با متن حفظ می‌کنند. پس نیازی به طبقه‌بندی نام‌ها نیست که مجبور باشیم ترتیب معمول (نام - نام خانوادگی) را برهم بزنیم.

بنابراین، نام خانوادگی را زمانی لازم است بر نام مقدم کنیم که نظم الفبایی در کار باشد و طبقه‌بندی زمانی به کار می‌آید که خواننده بخواهد چیزی را در میان انبوه چیزهای دیگر بیابد. فرهنگ‌های لغت و واژه‌نامه‌ها را هم برای همین الفبایی می‌کنند که کاربران آن‌ها، اغلب، در وقت ضرورت، می‌خواهند واژه‌ای را از میان واژه‌های دیگر بیابند؛ اما زمانی که خواننده از پیش در جست‌وجوی چیزی نیست و نویسنده می‌خواهد منبع یا منابعی را به او بشناساند، نیازی به طبقه‌بندی و تنظیم الفبایی، و به تبع آن وارونه کردن ترتیب «نام - نام خانوادگی»، نیست. حتی در فهرست مآخذ پایان نوشته نیز، در ذکر مشخصات کتاب‌ها یا مقالاتی که بیش از یک نویسنده دارند، گرچه نویسنده نخست را، خلاف شیوه معمول و به رسم کتاب‌نامه‌ها، به ترتیب «نام خانوادگی - نام» معرفی می‌کنیم، مشخصات سایر نویسندگان آن منبع را باید به شیوه معمول (نام - نام خانوادگی) آورد.

دیگر آن که، این سال‌ها رسم شده است که نام پدیدآورندگان برخی کتاب‌ها، به‌خصوص برخی دانشنامه‌ها و فرهنگ‌های لغت، را هم گاهی به شیوه «نام خانوادگی - نام» در صفحات آغازین کتاب می‌آورند. طرفه‌تر این که در بسیاری از این موارد حتی قصد رعایت ترتیب الفبایی هم در میان نیست و ذیل برخی عنوان‌ها بیش از یک اسم نمی‌بینیم. در این موارد نیز برهم زدن شیوه معمول (نام - نام خانوادگی) محلی ندارد، چون خواننده کتاب می‌خواهد ببیند چه کسانی در پدیدآوردن آن سهیم بوده‌اند، یا می‌خواهد بداند که هر بخش را چه کسانی تدوین کرده‌اند و مسئولیت هر گوشه کار با چه کسی یا چه کسانی است، نه این که از آغاز نامی خاص را نشان کرده باشد و بخواهد آن را در میان نام‌های دیگر بیابد. بنابراین، در چنین مواردی، حتی اگر بخواهیم نام‌ها را براساس حروف الفبایی مرتب کنیم، آن‌ها را به همان شیوه معمول (نام - نام خانوادگی) باید آورد. اگر هم ضرورتی بود که این «الفبایی بودن» را به رخ خواننده بکشیم، کافی است اولین حرف نام خانوادگی هر کس را با حروف بولد (سیاه) بیاوریم. ■

1. *The Chicago Manual of Style* (The University of Chicago Press, Sixteenth edition, 2010), p. 661.